



10 مازچ 2017

## افغانستان آماج جنایات علیه بشریت

تروریستان شریر بین المللی باحمله به بزرگترین شفاخانه کشور در شهر کابل، جنایت هولناک « جنگی » ، « ضدبشری » و « علیه بشریت » را مرتکب و یکبار دیگر چهره سیاه ، ننگین ، زبون وجبون شانرا بمثابه دشمنان انسان و انسانیت به نمایش گذاشتند.

در مطابقت با تمام معیار های حقوقی، موازین قبول شده حیات مدنی و دینی ، این بربریت ، تجاوز بر والاترین ارزشهای انسانی و مدنی بوده و قتل انسانیت میباشد و باید بطور گسترده درمقیاس ملی و بین المللی مورد نفرت قرار گرفته و تدابیر عاجل بخاطر گرفتاری و محاکمه جنایتکاران اتخاذ و سازماندندگان و دولت های حامی آنان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد درج و مورد تعزیرات شدید بین المللی قرار گیرد.

مطابق به تمام معیار های حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه ( 1907 م ) ، تا اساسنامه نورنبرگ ، دیوان جزایی بین المللی ، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژینو ( 1948 م ) ، این عمل جنایتکارانه که « بشکل هدفمند » و « از قبل پلان شده » صورت گرفته در کتگوری « جنایات : جنگی ، ضد بشری و علیه بشریت » مسجل گردیده است. مطابق کنوانسیونهای یاد شده ژینو : « جنایات جنگی شامل تمام موارد نقض حقوق بشردوستانه در منازعات و درگیری های جنگی میشوند و جنایات ضد بشری اعمال پراز قساوت برضد انسانها کشتار گروهی و تعرض بر سلامت جسمی و اخلاقی انسانان را احتوا مینماید » . ماده ( 48 ) همین کنوانسیونها ، ماده ( 7 ) و ( 8 ) دیوان جزایی بین المللی و معیار های هفت گانه صلیب سرخ بین المللی موارد چهارگانه را مشخص ساخته که شفاخانه ها به طریق اولی شامل آن میگردد و بی نیاز از اثبات است که حمله بر شفاخانه محمد داود خان با نقض « قانون و آداب جنگ » ، افراد بی دفاع ، مریض ، زخمی و ناتوان را هدف قرار داده است.

در همچو موارد که وقوع « جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری » ، اظهر من الشمس است ، موارد الزام حقوقی بر مجرم ، سازمان عامل و دولت حامی ، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند ، در برابر این مصیبت ملی که باعث شهادت و مجروحیت دهها هموطن عزیز و بشول بهترین سرمایه های علمی و معنوی و دکتوران گردیده و انسانیت بقتل رسیده است ، چه میتوان کرد ؟ با تقبیح و محکوم ساختن متحد المال و یا به سبک و سیاق سیاست بازان عوام فریب ، مزورانه استدعای قاتلان سفاک و متکرر ، اکتفا کرد ؟

هشدار و زینهار !!!

ای ملت از برای خدا هوشیار شوید !!!  
گوسپندی برد این گرگ مزور همه روز  
گوسپندان دیگر خیره در او مینگردن

کارد به استخوان رسیده و دشمنان تاریخی افغانستان ، پلان نابودی این سرزمین رامتحقق میسازد . افغانستان در دایره شیطانی محور های شرارت منطقه و جهان و در گرداب طوفانزای کشمکش رقبای سیطره جو وجهانخور دور جدید بازیهای بزرگ و مسابقه جیوپولوتیک و نیابتی منطقه بی و جهانی کماکان بخاک و خون کشانیده میشود. در یک بازی بسیار پیچیده و مرموز و مافیایی که مخوفترین اشکال بنیادگرایی « اسلامی » بمثابه ابزار آن استفاده گردیده است ، افغانان را از اساسی ترین حق طبیعی ، یعنی حق حیات ، حق داشتن کشور و اعمال حق حاکمیت ملی و حق گذار بشاهراه تمدن محروم میسازند ، تا سر زمین افغانان لانه تروریستان ، کشتزار مواد مخدر ، عمق ستراتیژیک و معبر ورود به آسیای میانه مورد استفاده قرارگیرد . مقابله با ارواح خبیثه و سونامی خوفناک بنیادگرایی « اسلامی » و شرارت پیشه گان تروریست ، مستلزم یک منشور ملی است تا بخاطر دفاع از حقوق یاد شده بی مردم و وطن ، ترور و تروریسم بمثابه دشمن مشترک هست و بود افغانستان اعلام و مورد نفرت ملی قرارگیرد. تروریست و قاتل قوم و مذهب ندارد و دشمن تمام مذاهب و اقوام با هم برادر و برابر افغانستان میباشد.

این مصیبت ملی را باید به روز رستاخیز ملی و نقطه پیوند ملی مبدل ساخت و با چنگ زدن بوحثت ملی که هست و بود افغانستان در گرو آن است ، بخاطر تن آغشته بخون مادر وطن وفاق و اشتراک گسترده ملی را برای دادخواهی حقوق افغان و افغانستان سازمان داد.

چشمداشت از اجانب و به اصطلاح جامعه بین المللی که مسئولیت اخلاقی شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان که معلول و محصول مداخله خارجی بوده واضح میباشد ، اما در احوال افتراق ملی و فقدان اقتدار ملی ، و جاهت و اعتبار ملی یک سرابی بیش نخواهد بود.

بدون موجودیت عامل نیرومند داخلی که همانا دولت مقتدر ملی و متکی بر حاکمیت قانون و قوای مسلح ملی و غیر تنظیمی و قومی ، هیچگاهی مقابله با احوال اسفبار جاری ممکن نمیگردد.

هرگاه حاکمیت قانون وجود میداشت در همچو حوادث خونین در گام نخست باید مسئولین درجه یک وزارت های قوای مسلح مستعفی و مورد استجواب و بازپرس قرار گیرند و ستون پنجم که زمینه سازی آنرا نموده ، مشخص گردد. یک دولت کارا ، دستگاه دیپلوماسی مسول و فعال باید رسالت دفاع و داد خواهی از حقوق مردم و وطن را در مقیاس جهان مطرح و بشورای امنیت سازمان ملل متحد عارض گردد.

دیگر از کفر ابلیس معروفتر است که پاکستان مرکز تروریسم و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد و ببرکت سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس روز تا روز گستاخانه تر عمل مینماید. باید اذهان داشت که در اوضاع وخیم و پیچیده کشور گسیل بیشتر عساکر آمریکائی به افغانستان حل مشکل نبوده و نخواهد بود بلکه اتخاذ یک سیاست روشن و شفاف دولت امریکا در برابر دولت پاکستان ، بحیث محور شرارت منطقی و حمایت و تقویه تروریسم بین المللی ، موثر تر خواهد بود.

دوسیه پاکستان بنابر همین دلایل میتواند در شورای امنیت ملل متحد ، بر وفق فصل هفتم منشور و متکی بر اصل  
United nations sancations  
بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمثابه حامی تروریستان بر طبق اصل  
Legal settlement sancation  
مورد تعزیرات قرار گرفته و بحیث یکی از محور های خطرناک شرارت با تحریم ها مواجه گردد.

هرگاه پارلمان ممثل اراده ملت وجود میداشت ، طرح این سوال مبرمیت خاص دارد که این همه پیمانهای ستراتیژیک و بخصوص با ایالات متحده امریکا ، چرا تطبیق نمیگردد . بر اساس عرف حقوق بین المللی قرارداد های که ضمانت اجرایی نداشته و مرعی الاجرا نگرند ، ( کان لم یکن ) پنداشته میشود.

Pact Sunt Sarwanda  
همان اصل حقوقی باستان است که در حقوق بین المللی معاصر نیز ماهیت و اهمیت قرارداد ها را توضیح میدارد این دیگر مضحک مینماید که امریکا با افغانستان پیمان ستراتیژیک دارد و توسط متحد " پیمانکار " آن سلاخی میگردد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با احساس مسولیت در قبال افغانستان و تراژیدی خونبار مردم به عزا نشسته ما ، این اعلامیه را بخاطر دادخواهی و بلند کردن صدای اعتراض به تمام نهاد و مراجع افغانی و بین المللی ارائه مینماید و از هموطنان عزیز و نهادهای افغانی متمنی است تا با قلم و قدم بخاطر دفاع از حقوق مردم اشتراک مساعی نمایند.

**با حرمت**

**هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا**